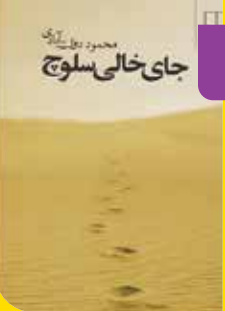


# چهل سالگی کلیدر

کلیدر، از یک سو شاهنامه به نثر ایران است و از سوی دیگر جنگ و صلح ایران

## جای خالی سلوچ

بعد از «کلیدر» رمان «جای خالی سلوچ» را می‌توان از مشهورترین آثار محمود دولت‌آبادی به شمار آورد. رمان، زندگی مشقت‌بار یک زن روستایی به نام «میرگان» را روایت می‌کند که در یکی از روستاهای دورافتاده ایران به نام «زمینج» زندگی می‌کند. سلوچ که شوهر مرگان است، به ناگهان ناپدید می‌شود و مرگان تلاش می‌کند تا کانون خانواده را که شامل دو پسر به نام‌های عباس و ابرو و یک دختر دوازده‌ساله به نام هاجر است را همچنان حفظ کند. کتاب فراز و نشیب‌های زندگی زنی را روایت می‌کند که هم عاشق سلوچ است و هم به‌خاطر اینکه شوهرش او و خانواده‌اش را ترک کرده از او عصبانی است...



۱

## روزگار سپری شده مردم سالخورده

این رمان سه‌جلدی روایتی مفصل و پر از جزئیات است که درباره دو نسل حرف می‌زند. «اقلیم باد»، «برزخ خس» و «پایان جغد»، سه کتاب «روزگار سپری شده مردم سالخورده» هستند، دولت‌آبادی در این اثر هم سراغ سرنوشت روستائیان رفته است. داستان در جلد اول و دوم در روستای «کلخجان» و روستاهای همجوارش می‌گذرد، گوشه‌ای تک‌افتاده از سبزوآر و بعد در جلد سوم یعنی «پایان جغد» نویسنده داستانش را به شهر می‌کشاند. این مجموعه سه جلدی روایتی است از همه‌ی آنچه در طول تاریخ بر سه نسل از مردمان سخت‌کوش و ستمدیده روستایی رفته است.



۲

## روز و شب یوسف

داستان بلند «روز و شب یوسف» یکی از داستان‌هایی است در ذهن محمود دولت‌آبادی هنگام نگارش رمان حماسی «کلیدر» شکل گرفته است. داستان کتاب «روز و شب یوسف» درباره پسر نوجوانی به نام یوسف است که به سن بلوغ رسیده است و مشغول گذراندن دوران بلوغ. یوسف در خانواده‌ای مذهبی و سخت‌گیر بزرگ‌شده تا حدی که محیط خانه پر از خفقان است. یوسف فرزند پدري دیکتاتور و مادری مطیع است که در مادری هیچ چیز برای فرزندانش کم نمی‌گذارد. داستان اصلی کتاب درباره درگیری‌های ذهنی یوسف است؛ یوسفی که در کوچه و خیابان سایه مردی را می‌بیند اما نمی‌تواند به آن برسد...



۳

شرایطی وقتی برای من پدیدار شد که از دانشگاه هم کنار گذاشته شده بودم و جنگ هم شدت یافته بود، کس و کارم آواره شده بودند و مانده بودم با خانواده و فرزندان دو تا دوازده ساله و... تو خود بخوان حدیث مفصل را...

«کلیدر» از وقتی که متن کامل آن چاپ شد تا امروز، همچنان سالی چندبار تجدید چاپ می‌شود. آقای موسایی مدیر نشر فرهنگ معاصر و ناشر کتاب، تاریخچه چاپ آن را اینطور توضیح می‌دهد: «اولین مواجهه و برخورد من با کلیدر برمی‌گردد به سال‌های ۵۷-۵۶، که از طریق آقای اسلامی که ناشر کلیدر بود، در جریان انتشار جلد اول و دوم کلیدر قرار گرفتم. جلد سوم و چهارم هم چاپ شده بود، که آقای اسلامی از انتشار کار انصراف دادند. سال ۶۰ بود که من انتشار کلیدر را بر عهده گرفتم. در اصل کلیدر جزو نخستین کارهای انتشارات «فرهنگ معاصر» بود. بعد از عقد قرارداد با آقای دولت‌آبادی، جلد‌های یک تا چهار را مجدداً با حروفچینی جدید با ده‌هزار نسخه منتشر کردیم. در آن موقعی که کلیدر را به صورت تفکیک‌شده و جداگانه چاپ می‌کردیم، اصلاً فکر نمی‌کردم کلیدر قرار است به ده جلد برسد، نهایت برآورد ما هفت تا هشت جلد بود. ما مشغول حروفچینی و چاپ بودیم و آقای دولت‌آبادی مشغول نوشتن. سال ۶۲ بود که برای نخستین بار دوره کامل کلیدر در پنج جلد و با تیراژ ده‌هزار نسخه منتشر شد. در این بین ما علاوه بر چاپ کامل دوره ده جلدی، ۲۰ هزار نسخه ناقص (یعنی جلد‌های ۵ تا ۱۰) هم چاپ کردیم؛ چون قبلاً جلد‌های یک تا چهار حدود ۲۰ هزار نسخه چاپ شده بود. یعنی در همان سال ۶۲، ما هم یک دوره کامل ده هزار نسخه‌ای چاپ کردیم، هم ۲۰ هزار نسخه متفرقه، تا بدین طریق بتوانیم نیاز همه مخاطبان کلیدر را پاسخ داده باشیم.»

چهل سال از شاهکار رمان فارسی می‌گذرد و در طول این سال‌ها هم اقبال عمومی از آن بیشتر شده، هم از سوی منتقدان و چهره‌های ادبی و دانشگاهی مورد تقدیر قرار گرفته است، هم به زبان‌های دیگری چون آلمانی و عربی نیز ترجمه شده است. عبدالحسین فرزند مترجم عرب آن را رمانی برتر از آثار نجیب محفوظ نویسنده



نوبلیست مصری برمی‌شمرد و درباره آن می‌گوید: «کلیدر، عرصه قدرت‌نمایی زبان شیرین فارسی در حوزه توصیف و روایت است. به بیان دیگر آنچه کلیدر را جذاب می‌کند، فخامت زبان است؛ زبانی که هم تاریخ بی‌پهلی است هم مرزبان‌نامه، هم اسرارالتوحید و هم شاهنامه، و درعین حال خودش است: زبان کلیدر. این رمان تجلی و تبلور حادثه‌ها در بنیان مرصوص زبانی بسیار لطیف و درعین حال پرانرژی همچون تار ابریشم است. زبان کلیدر، روایت داستانی را به روایت شعری ترجمه می‌کند. در روایت داستانی، غالباً این گذشته است که متکاثف و فشرده می‌شود، اما در روایت شعری، حال و آینده متراکم می‌گردد. زبان کلیدر، گذشته و حال را در برابر ذهن خواننده درهم فشرده می‌کند و درهم می‌تند و به معجونی شگفت، درمی‌آورد که همزادپنداری را به طرز هولناکی ممکن می‌سازد تا آنجا که مخاطب گویی داستان خودش را در حال زندگی کردن است. از این رو است که هرکس خواندن کلیدر را آغاز کند دیگر آن را زمین نمی‌گذارد و شاید هم آن را بارها و بارها بخواند...»

«کلیدر» در ادبیات فارسی یک «پدیده» است. آنطور که محمد قاسم‌زاده داستان‌نویس می‌گوید: «کلیدر، یک پدیده است و درست مثل پدیده‌های طبیعی حاصل ممارست صاحب اثر. ممارستی